

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۴۸

آیه ۸۵ - ۸۷

آیه و ترجمه

۸۵ و الی مدین اءخاهم شعيبا قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره قد جاءكم  
 بينة من ربكم فاءوفوا الكيل و الميزان و لا تبخسوا الناس اءشياءهم و لا تفسدوا  
 فى الاءرض بعد اصلحها ذلكم خير لكم ان كنتم مؤمنين  
 ۸۶ و لا تقعدوا بكل شرط توعدون و تصدون عن سبيل الله من امن به و تبغونها  
 عوجا و اذكروا اذ كنتم قليلا فكثركم و انظروا كيف كان عقبة المفسدين  
 ۸۷ و ان كان طائفة منكم ءامنوا بالذى ءرسلت به و طائفة لم يؤمنوا فاصبروا  
 حتى يحكم الله بيننا و هو خير الحكمين

ترجمه :

۸۵ - و به سوى مدین برادرشان شعیب را فرستادیم گفت ای قوم من خدا را  
 بپرستید که جز او معبودی ندارید، دلیل روشنی از طرف پروردگارتان برای  
 شما آمده است، بنابراین حق پیمانہ و وزن را ادا کنید و از اموال مردم چیزی  
 نکاهید و در روی زمین بعد از آنکه (در پرتو ایمان و دعوت انبیاء) اصلاح شده  
 است فساد نکنید، این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید.  
 ۸۶ - و بر سر هر راه ننشینید که (مردم با ایمان را) تهدید کنید و مومنان را از  
 راه خدا باز دارید و (با القای شبهات) آنرا کج و معوج نشان دهید و به خاطر  
 بیاورید زمانی را که افراد کمی بودید و او شما را فزونی داد و بنگرید چگونه  
 سرانجام

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۴۹

مفسدان بود.

۸۷ - و اگر طایفه‌ای از شما به آنچه من فرستاده شده‌ام ایمان آورده‌اند  
 و طایفه‌ای ایمان نیاورده‌اند صبر کنید تا خداوند میان ما داوری کند که  
 اوبهترین داوران است.

تفسیر :

## رسالت شعیب در مدین

در این آیات پنجمین قسمت از سرگذشت اقوام پیشین و درگیری انبیاء بزرگ با آنان یعنی قوم شعیب مطرح شده است. شعیب که نسبش طبق تواریخ با چندین واسطه به ابراهیم می‌رسد، مبعوث به سوی اهل مدین گردید، مدین از شهرهای شام بود و مردمی تجارت پیشه و مرفه داشت، که در میان آنها بت پرستی و همچنین تقلب و کم‌فروشی در معامله کاملاً رائج بود.

شرح درگیری این پیامبر بزرگ با اهل مدین در سوره‌های متعددی از قرآن مخصوصاً سوره هود و شعرا آمده است، و ما به پیروی از قرآن مجید در ذیل آیات سوره هود به خواست خدا در این زمینه مشروحاً بحث خواهیم کرد، در اینجا تنها فشرده قسمتی از این ماجرا را طبق آیات فوق بیان می‌کنیم. در نخستین آیه، خداوند می‌فرماید: ما به سوی مردم مدین، برادر آنها شعیب را فرستادیم (و الی مدین اخاهم شعیبا).

جمعی از مفسران مانند مرحوم طبرسی در مجمع‌البیان و فخر رازی در تفسیر معروف خود نقل کرده‌اند که «مدین» در اصل نام یکی از فرزندان ابراهیم خلیل بود، و چون فرزندان و نواده‌های او در سرزمینی در طریق شام سکونت

---

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۵۰

اختیار کردند به نام مدین نامیده شد.

در اینکه چرا تعبیر به «اخاهم» (برادرشان) شده است، در ذیل آیه ۶۵ همین سوره توضیح دادیم.

سپس اضافه می‌کند که شعیب دعوت خود را همانند پیامبران دیگر از مسأله توحید شروع کرد و «صدا زد ای قوم من! خداوند یگانه را بپرستید که هیچ معبودی جز او برای شما نیست» (قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره). و گفت این حکم علاوه بر اینکه فرمان عقل است بوسیله «دلائل روشنی که از طرف خداوند برای شما آمده» نیز اثبات شده است (قد جائتکم بینه من ربکم).

در اینکه این بینه (دلیل روشن) چگونه چیزی بوده است، در آیات فوق سخنی از آن به میان نیامده، ولی ظاهر این است که اشاره به معجزات شعیب است. پس از دعوت به توحید، به مبارزه با مفاصد اجتماعی و اخلاقی و اقتصادی آنها

برخاسته نخست آنان را که آلوده کم فروشی و تقلب و تزویر در معامله بودند از این کار باز می‌دارد و می‌گوید: اکنون که راه خدا برای شما آشکار شده «حق پیمانه و وزن را ادا کنید و از حقوق مردم چیزی کم نگذارید» (فاوفاو الکیل و المیزان و لا تبخسوا الناس اشیائهم). روشن است که نفوذ هر گونه خیانت و تقلب در امر معاملات پایه‌های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگترین پشتوانه اقتصادی ملت‌ها است متزلزل و ویران می‌سازد و ضایعات غیر قابل جبرانی برای جامعه به بار می‌آورد، به همین دلیل یکی از موضوعات مهمی که شعیب روی آن انگشت گذاشت همین موضوع بود.

---

### تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۵۱

سپس به یکی دیگر از کارهای خلاف آنها اشاره کرده و می‌گوید: «در روی زمین بعد از آنکه در پرتو ایمان و کوششهای انبیاء اصلاح شده است، فساد نکنید» (و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها). مسلم است که از تولید فساد، اعم از فساد اخلاقی یا بی‌ایمانی یا ناامنی، هیچکس بهره‌ای نمی‌گیرد، لذا در آخر آیه اضافه می‌کند، «این به سود شما است اگر ایمان داشته باشید» (ذلکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین). گویا اضافه کردن جمله ان کنتم مؤمنین اشاره به این است که این دستورات اجتماعی و اخلاقی هنگامی ریشه‌دار و ثمربخش خواهد بود که از نور ایمان روشن گردد، اما اگر بدون پشتوانه ایمان باشد و تنها روی یک سلسله مصالح مادی تکیه کند، دوام و بقائی نخواهد داشت. در آیه بعد به چهارمین نصیحت شعیب، اشاره شده است، آنجا که می‌گوید: «شما بر سر راه مردم ننشینید و آنها را تهدید نکنید و سد راه خدا نشوید و با القای شبهات راه مستقیم حق را در نظر آنها کج و معوج نشان ندهید» (و لا تقعدوا بکل صراط توعدون و تصدون عن سبیل الله من آمن به و تبغونها عوجا). در این‌که آنها چگونه افراد متمایل به ایمان را تهدید می‌کردند مفسران احتمالات متعددی داده‌اند، بعضی احتمال داده‌اند از طریق تهدید به قتل، و بعضی از طریق راهزنی و گرفتن اموال مردم با ایمان، ولی متناسب با بقیه جمله‌های آیه همان معنی اول است. و در پایان آیه پنجمین نصیحت شعیب که یادآوری نعمتهای پروردگار برای

تحریک حس شکرگزاری آنها است آمده: «به خاطر بیاورید هنگامی که شما افراد کمی بودید خداوند جمعیتتان را زیاد کرد و نیروی انسانی شما را

---

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۵۲

فزونتر ساخت» (و اذکروا اذ کنتم قليلا فکثرکم). «و نیز خوب بنگرید که سرانجام کار مفسدان به کجا منتهی شد» و به دنبال آنها گام بردارید (و انظروا کیف کان عاقبة المفسدين). ضمنا از جمله فوق استفاده که بر خلاف تبلیغات حساب نشده‌ای که امروز می‌کنند در اکثر موارد کثرت نفرات، می‌تواند سرچشمه قدرت و عظمت و پیشرفت جامعه باشد، البته به شرطی که با برنامه‌های منظم، زندگی آنها از نظر مادی و معنوی تامین گردد. آخرین آیه مورد بحث در واقع پاسخی است به بعضی از گفته‌های مومنان و کافران قوم او، زیرا مؤمنان بر اثر فشارهایی که از طرف کافران به آنها وارد میشد طبعا این سؤال را از پیامبرشان می‌کردند، که ما تا کی در شکنجه و فشار خواهیم بود؟ مخالفان او نیز از اینکه مجازات الهی فوراً دامانشان را نگرفته بود جرات و جسارت پیدا کرده، می‌گفتند: اگر راستی تو از طرف خدا هستی پس چرا با این مخالفت‌های ما هیچ گزندی متوجه ما نمی‌شود. شعیب می‌گوید: «اگر طایفه‌ای از شما به آنچه من مبعوث شده‌ام ایمان آورده و جمعیت دیگری ایمان نیاورده‌اند، نباید موجب غرور کافران و یاس مومنان گردد، شما صبر کنید تا خداوند میان ما حکم کند که او بهترین حاکمان است» یعنی آینده نشان خواهد داد، چه کسانی بر حق بوده‌اند و چه کسانی بر باطل (و ان کان طائفة منکم آمنوا بالذی ارسلت به و طائفة لم يؤمنوا فاصبروا حتی يحکم الله بیننا و هو خیر الحاکمین).